



موضوع کنفرانس: اقامه و اتمام حجت با رویکرد مدعیان کذاب مهدویت و نازل شدن بلایا به سبب انکار آنان

ارائه توسط:جناب اقای عیوضی

تاریخ :3 خرداد 1399

کانال اثنی عشریه
https://t.me/antimortad

لینگ انجمن انصارالمهدی عجل الله فرجه
https://t.me/ansar_almahdi_1



بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی مولانا و سیدنا صاحب الزمان

سلام عرض می کنم خدمت بزرگواران

ان شاء الله با مطالبی حول موضوع در خدمت شما خواهم بود

معنای حجت

.حجّت از ریشه «حجّ» به معنای دلیل و برهان است

.«المصباح المنیر، ص121، «حجّ

انصار المهدی عجل الله فرجه

و حجت در اصطلاح به چیزی گفته می‌شود که هر یک از دو طرف دعوا برای اثبات مدّعای خویش، آن را اقامه و بدان احتجاج می‌کند؛ خواه مربوط به بحث و مناظره علمی یا مربوط به عمل باشد.

ادب فنای مقربان جلد 2

آیت الله سید محمد کاظم قزوینی می فرماید :

[حجةٔ علیکم

واژه حجت که امام عصر(علیه السلام) خود را حجت خدا معرفی می کند ، به مفهوم فرد یا چیزی است که بدان استدلال و اتمام حجت می گردد ، و از این را امام براستی حجت خداست چرا که خدوند بوسیله ی امام راستین ، بر بندگانش اتمام حجت می کند

امام مهدی از ولادت تا ظهور ص ۶۳۳

محدث نوری بعد از ذکر روایتی از امام علی النّقی (علیه السلام) : « الخَلَفُ مِنْ بَعدِی ابْنی الحَسَنُ فَکَیفَ لَکُمْ بِالخَلَفِ مِنْ بَعدِ الخَلَفِ ؟ فَقُلتُ

: وَ لِمَ جَعَلَنی اللهُ فِداکَ ؟ فَقالَ : لِإِنَّکُمْ لا تَرَونَ شَخصَهُ وَ لا یَحِلُّ لَکُمْ «ذِکرُهُ بِاسمِهِ ، قُلتُ فَکَیفَ نَذکُرُهُ ؟ قالَ : قُولُوا : الحُجَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَدٍ

کمال الدین و تمام النعمة ج ۲ ص ۷۶

جانشین پس از من فرزندم حسن است و با جانشین پس از جانشین من چگونه خواهید بود؟

گفتم : فدای شما شوم برای چه ؟

فرمود : زیرا شما شخص او را نمی بینید و بردن نام او بر شما روا نمی باشد .

گفتم : پس چگونه او را یاد کنیم ؟

(فرمود : بگوئید : حجّة آل محمّد (علیهم السلام

می فرماید: و این از القاب شایعه ی آن جناب است که در بسیاری از ادعیه و اخبار، به همین لقب مذکور شده اند و بیشتر محدثان، آن را ذکر نموده اند و با آن در این لقب شریکند و همه حجتند از جانب خداوند بر خلق، لکن چنان اختصاص به آن جناب دارد که در اخبار هر جا بی قرینه ...و شاهدی ذکر شود مراد آن حضرت است

نجم الثاقب ج 1 ص 100 و 101

چنانچه جناب محدث نوری بیان فرمود، تمام ائمه حجتهای الهی هستند

که امام رضا (علیه السلام) از پدرانش نقل فرمود که رسول الله(صلی الله علیه و آله) می فرماید

یا علی أنت و الأئمة من ولدک بعدی حجج الله عزوجل علی خلقه

کمال الدین ج 2 ص 125

ای علی! پس از من، تو و ائمه از فرزندان تو حجتهای الهی بر خلایق هستند

در دعای توسل نیز بعد ذکر نام تک تک ائمه می گوییم :

يَا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلیٰ خَلْقِهِ

در زیارت جامعه کبیره هم می خوانیم :حجج الله علی أهل الدنیا والاخرة ورحمة الله و برکاته

و حجّت‌های خدا بر اهل دنیا و آخرت، و رحمت و برکات او بر شما باد

در روایات هم اینگونه توضیح داده می شود که این حجت اگر مورد تبعیت قرار بگیرد بنفع مردم است ولی اگر با وجود حجتی و چراغ اثبات شده ای مسیر نادرستی انتخاب بشود این حجت می شود علیه و به ضرر او که نهایت آن جزء حسرت نخواهد بود.

امیرالمومنین علیه السلام

و إن تتبعونا تهتدو ببصائرنا ، و إن لم تفعلوا يهلكهم الله بأيدنا ...

منتخب الأثر ج 3 ص 64

اگر ما را تبعیت بکنید بواسطه ی بصیرت ما هدایت خواهید شد، و اگر این کار را انجام ندهید خدا بوسیله ی ما هلاکتان خواهد کرد!

اصبغ بن نباته می گوید امام علی (علیه السلام) خطبه ای خواند

فإن تتبعونا تنجوا ،و إن تتولوا يعذبكم الله بأيدينا...

منتخب الأثر ج 3 ص 63

پس اگر از ما پیروی بکنید نجات میابید و اگر روی برگردانید خداوند شما را به دست ما عذاب خواهد نمود!

و یا حتی درباره ی علم داریم که امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند : « علم بلا عمل حجةٔ لله علی العبد» غررالحکم

دانشی که بدان عمل نشود، حجت خداوند علیه بنده است.

و یا مورد دیگری را نقل بکنیم که وقتی لشکر جناب حسنی به امام زمان می رسند، حالا با نشان دادن معجزه و نشان مواریث اصحاب ایشان به حضرت ایمان آورده و بیعت می کنند ولی تنها 40 هزار نفر زیدیه می مانند از اصحاب حسنی که ایمان نمی آورند و قران به همراه دارند، این جماعت معجزات حضرت را سحر می خوانند، با وجود اینکه از قبل بارها اتمام حجت شده است باز حضرت آنها را دعوت می کند لکن در گمراهی خود اصرار می ورزند و همگی هلاک و کشته می شوند که امام زمان می فرماید: لَا تَأْخُذُوا الْمَصَاحِفَ وَ دَعُوهَا تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً كَمَا بَدَّلُوهَا وَ غَيَّرُوهَا وَ حَرَّفُوهَا وَ لَمْ يَعْمَلُوا بِمَا فِيهَا (بحار ج 53 ح 1) قران های آنها را نگیرید، بگذارید باعث حسرت آنان گردد،همانطور که آن را

تبدیل کرده و تغییر دادند و مطابق آنچه در آن بود عمل نکردند(قران اینجا می شود حجتی به ضرر و علیه این جماعت)

آنچه که تاکنون بیان کردیم را می توانیم در فرمایش آیت الله صافی گلپایگانی بیابیم و با توضیحات و نگاه ایشان ببینیم

حجّت آن چیزی است که بر صحّت یکی از دو طرف نقیض، مثل وجود و عدم چیزی به آن استدلال و احتجاج می‌شود.

همچنین دلالتی است که بیانگر راه مستقیم باشد و حجج الهی (حجت‌های خدا) هر چیزی است که خدا به آن بر بندگان خود احتجاج نماید، یا به وسیله آن، بندگان خود را به سوی خود هدایت کرده باشد. بنابراین، معجزات انبیا همه حجت است، کل عالم حجت است، تمام آیات الهی و نعمت‌های غیر متناهی، هر پدیده و هر مخلوق و اعضا و اجزای آنها و نظاماتی که در آنها برقرار است، همه حجّتند.

جنبندگان دریا و صحرا و هوا، گیاهان و گل ها، درختان و برگ‌ها و شکوفه‌های آنها، و آسمان و زمین و آنچه در آنها است، همه حجت‌های خدایند که: "اگر تمام درخت‌ها قلم باشند و هفت دریا مداد گردند و

بخواهند کلمات و آیات و حجت‌های حقّ تعالی را بنویسند کلمات الهی تمام نخواهد شد".

ص: ۶۰ «وَلَوْ أَنَّما فِی الْاَرْضِ مِن شَجَرَةٍ أَقْلامٌ وَالْبَحْرُ یَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ ما نَفِدَتْ کَلِماتُ اللّهِ »سوره لقمان /۲۷

برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتری است معرفت کردگار.

هر فرد از افراد انسان، خود و چشم و گوش و زبان و مغز و خون و استخوان و پوست و اعضای ظاهر و باطن و سلول‌ها و گلبول‌های سفید و قرمزش بر خودش و بر دیگران حجت است. عمر و زندگی و تندرستی و خلاصه همه چیز و همه اوضاع و فراز و نشیب‌های آگاهی بخش و مناظر مختلف، همه و همه حجّتند، که اگر انسان به آگاهی نرسیده و این همه آیات را ندیده و از خط منحرف شده باشد، همه این حجّت‌ها علیه او اقامه شده و او را محکوم می‌نمایند و راه عذر را بر او می‌بندند. قرآن مجید کتاب خدا و معجزه باقی حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و احکام و هدایت هایش بر همه بشریت حجت است و آیات آن نیز هر کدام حجت است.

علاوه بر آنکه در خود آیات احتجاج و اقامه حجت بر معارف و عقاید دینی شده باشد. از بزرگ ترین حجّت‌های الهی یکی عقل است و دیگر نعمت وحی و نبوّت انبیا و امامت اوصیا است که استمرار هدایت پیغمبران ...می‌باشد

(معرفت حجت خدا شرح دعای اللهم عرفنی نفسک ... ص ۵۹ و ۶۰)

محل ورود مدعیان

این جماعت از همین باب وارد می شوند، به این معنا که عصر غیبت امام زمان (عج) را زمانی توصیف می کنند که حجت در این زمان ساقط است لذا لازم می آید وجود فرستاده ای که او بیاید و این حجت ساقط شده را اقامه بکند تا به حدی که آن را به اتمام رساند، و می گویند: البته که او آمد لکن با وجود حجتی که بود مورد انکار قرار گرفت و طرد شد و با پشت کردن شما به او، این فرستاده حجتی بر علیه و به ضرر شما شد، لذا خداوند بی درنگ عذابش را بر شما نازل نمود به این دلیل که خداوند متعال قومی را عذاب نکرد مگر اینکه با یک فرستاده ای اتمام

حجت کرده باشد و از مصادیق آن مثلا وقایعی چون سیل و زلزله یا کرونا بود

اما اساس ادعای این جماعت مورد اشکال است، اگر کسی ادعایی دارد، «حق آن ادعا است که ثابت بکند: «العاقل لا یتکلم إلا بحاجته أو حجته

شرح غررالحکم ج 1 ص 35

عاقل، سخن نمی گوید، مگر به مقدار حاجت یا به مقداری که حجت و دلیلی بر گفتار خود اقامه کند

آیت الله نهاوندی این روایت را در کتاب خود ذکر می کنند

إنّ اللّه اختار من النّاس، الأنبیاء و اختار من الأنبیاء، الرّسل و اختارنی علی الرّسل و اختار منّی علیّا و اختار من علی الحسن و الحسین و اختار من الحسین الأوصیاء تاسعهم، قائمهم و هو ظاهرهم باطنهم

به درستی که خدا از مردم، پیغمبران را و از پیغمبران، رسولان را اختیار فرمود و مرا بر تمامی رسل، اختیار نمود، علی را از من اختیار نمود و از

علی، حسن و حسین و اوصیایی را اختیار نمود که نهم ایشان، قائم آن هاست و او پیدا و پنهان ایشان است.

الغیبة، ص ۱۴۳- ۱۴۲

و ایشان در ذیل آن می فرمایند: آنچه که از « و هو ظاهرهم و باطنهم» بنظر می رسد سه امر است، و از این امور:

آن که مراد به «ظهور»، ظهور برحسب حجّت و برهان و مقصود از «بطون»، احتجاب از دیده مردمان باشد .

العقبری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان ج ۱ ص ۳۴۳

لذا امام زمان(عج) ، درست است ظهور به جسم ندارند لکن ظهور به برهان و حجت دارند

شیخ صدوق نقل می کند که شخصی نزد ایشان آمد و گفت: من به امامی که او را نبینم ایمان نمی آورم و مادامی که او را ندیده باشم حجتش بر من تمام نیست.

شیخ صدوق در جواب وی فرمود

فقلت له يجب أن تقول : إنه لا تلزمک حجة الله تعالى ذكره لأنک لا تراه و لا تلزمک حجة الرسول (عليه السلام) لأنک لم تره

و من گفتم لازم است که بگوئی حجت خدای تعالی هم بر تو تمام نیست زیرا او را نمی بینی و حجت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هم بر تو تمام نیست زیرا او را نیز نمی بینی.

كمال الدين و تمام النعمه ج 1 ص 174

و باز شیخ صدوق در جای دیگر این کتاب می فرماید

إن حال إمامنا (عليه السلام) اليوم فی غيبته حال نبی (صلی الله عليه و آله) فی ظهوره، و ذلک أنه (عليه السلام) لما كان بمكة لم يكن بالمدينة، و لما كان بالمدينة لم يكن بمكة، و لما سافر لم يكن بالحضر، و لما حضر لم يكن فی السفر، و كان (عليه السلام) فی جميع أحواله حاضرا بمكانه، غائبا عن غيره من الأماكن، و لم تسقط حجته عن أهل الأماكن التی غاب عنها، فهكذا الإمام (عليه السلام) لا تسقط حجة و إن كان غائبا عنا كما لم تسقط حجة النبی (صلی الله عليه و آله) عمن غاب عنه

امروز حال امام ما در غیبتش، مانند حال پیامبر اکرم در ظهورش می باشد و این از آن رو است که آنگاه که او در مکه بود در مدینه حضور نداشت و زمانی که در مدینه بود در مکه حاضر نبود و وقتی که مسافرت می کرد در شهر نبود و وقتی در شهر حضور داشت در سفر نبود، و آن حضرت در تمامی احوال در مکانی حاضر بود و از سایر اماکن غایب بود و حجت او در اماکنی که در آنجا غایب بود، ساقط نبود، امام (علیه السلام) نیز همچنین است، اگر هم غایب باشد حجتش ساقط نمی شود، .کما آنکه حجت پیامبر در اماکنی که در آنجا غایب بود ساقط نبود

کمال الدین و تمام النعمه ج 1 ص 167 و 168

و شیخ طوسی نقل می کند از مرحوم سید مرتضی که در این نقل، ایشان :نکته ی فوق شیخ صدوق را بدین نحو تبیین می کنند

شیعه وقتی می داند امام غایبی دارد که هر لحضه ممکن است ظهور کند، در هر حالی منتظر باز شدن دست امام است و نیز از تأدیب امام می ترسد، از زشتی و گناهان به خاطر بدی آنان در نزد امام دوری می کند، بسیاری از واجبات را انجام می دهد، پس غیبت امام در نظرش مثل این

است که او در شهری و امام در شهر دیگری است فیکون حال غیبة کحال کونه فی بلد آخر

و چه بسا در زمان غیبت توجه اش بیشتر است، چون علیرغم غیبت امام، احتمال می دهد که حضرت[هر لحضه] همراه او و در کنار او در شهر او باشد لأنه مع غیبته یجوز أن یکون معه فی بلده و فی جواره

الغیبه ی شیخ طوسی / صفحه ی 237

حال آنکه این امر در روایات نیز ثابت است

امام علی(علیه السلام) فرمود

اللهم بلی ! لا تخلو الارض من قائم لله بحجة ، إما ظاهرا مشهورا أو خائفا مغمورا ، لئلا تبطل حجج الله و بینانه

...

ای خدای من! آری زمین از قیام کننده به حجت الهی خالی نمی ماند. او یا ظاهر و مشهور است یا ترسان و مستور تا حجت های الهی و دلیل های روشن او باطل نشود.

بزرگان و نویسندگان شیعه این حدیث را از قدیم در کتاب های خود نقل کرده اند

بصائر الدرجات ق 153

تفسیر القمی ج 1 ص 486

الغیبه ی نعمانی ص 136

کمال الدین و تمام النعمه ج 1 ص 291

الخصال ج 1 ص 186

علل الشرایع ج 1 ص 195

الارشاد ج 1 ص 227

نهج البلاغه خطبه ی 147

الامالی(شیخ طوسی) ص 20

کشف الیقین ص 74

و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: و لا تخل الأرض من قائم منهم بحجتک ظاهرا، أو خائفا مغمورا، لئلا یبطل دینک و حجتک (و برهانک) و بیناتک

انصار المهدی عجل الله فرجه

کمال الدین ج 1 ص 493

و. روایت دیگری از امام صادق(علیه السلام) : نزدیک ترین و پسنده ترین حالت بندگان به خدای تعالی آنگاه است که حجت خدا مفقود گردد و بر بندگان آشکار نباشد و مکانش را ندانند و در آن حال عالم باشند که حجتها و بینات الهی باطل نمی شود ، در چنین زمانی صبح و شام متوقع فرج باشید .

و سخت ترین خشم خدای تعالی بر دشمنانش آنگاه است که حجت خدا مفقود گردد و بر بندگان آشکار نباشد ..

کمال الدین و تمام النعمه ج ۲ ص ۱۰

پس روشن است که با وجود غیبت این حجت ساقط نیست که بخواهد با وجود آنها اقامه بشود

و به سبب انکار آنان بر ما عذاب نازل بشود بلکه این صرفا توهمات این جماعت مدعی ایست

نحوه ی اقامه و اتمام حجت

اما چگونه در زمان غیبت این حجت اقامه می شود؟

با این نگاه ببینیم که غیبت و ظهور و اول یا آخر بودن امام، هر کدام یک غالب است و هیچ کدام از این غالب ها مانعی و خللی برای اقامه ی حجت نیستند، لکن آن چیزی که در همه ی این غالب ها وجود دارد و اصل است ایمان به امام است چنانچه در زیارت جامعه کبیره می خوانیم : مؤمن بسرکم و علانیتکم و شاهدکم و غائبکم و أولکم و اخرکم

و ایمان به امام هم چیزی جزء معرفت نیست :...ققلت : یا رسولَ اللهِ و هل یکونَ ایمانٌ بهم بِغَیرِ مَعرِفَةٍ بِأَسمائِهِم و أنسابِهِم؟

فقال : لا سلمان

منتخب الاثر ج ۲ ص ۸۸

و این معرفت در این ظرف ها و غالب ها به نحو مختلف ظهور پیدا می کنند که به اتمام حجت بینجامد و در این معنا فرقی در این غالب ها نیست

بنا بر بیان سابق از شیخ مفید پرسیده می شود که اگر این حدیث صحیح باشد(کسی که بدون معرفت امامی بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است) :چگونه این معرفت در زمان غیبت و برای امام غایب حاصل می شود

:که شیخ مفید در جواب وی می گوید

به او گفته می‌شود: منافاتی بین شناخت امام و بین همه ی آن چه از احوال او ذکر کردی وجود ندارد، زیرا اعتقاد به موجود بودن او در این جهان نیازمند اعتقاد به مشاهده کردن او نیست، چرا که ما از چیزهائی شناخت داریم که با هیچ یک از حواس نمی توان آن‌ها را ادراک کرد چه برسد به شناخت کسی که ادراک او و آگاهای داشتن از او ممکن است. ما از چیزهائی شناخت داریم که دارای مکان نیستند چه برسد به کسی که مکان او مخفی است و ما از چیزهای عدم در گذشته و عدم در آینده که در انتظار آنها هستید، شناخت داریم چه برسد به کسی که هم اکنون در خفا و پشت پرده به سر می‌برد.

رساله غیبت شیخ مفید رساله اول، آیات بسیار در قران

در ظرف و غالب قبل از غیبت امام زمان(عج) این معرفت و اتمام حجت می تواند به طریق نص بعین باشد یعنی امام قبل بیاید به امام بعد خودش

در عالم واقع و خارج و در دید مردم نص بکند و بفرماید :این امام شما هست

، حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَارُونَ الْعَبْسِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا كَثِيرُ بْنُ عَيَّاشٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الْبَاقِرَ ع بِمَ يُعْرَفُ الْإِمَامُ قَالَ بِخِصَالٍ أَوَّلُهَا نَصٌّ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَيه و نَصْبُهُ عَلَماً لِلنَّاسِ حَتَّى يَكُونَ عَلَيْهِمْ حُجَّةً لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص نَصَبَ عَلِيّاً ع وَ عَرَّفَهُ النَّاسَ بِاسْمِهِ وَ عَيْنِهِ وَ كَذَلِكَ الْأَئِمَّةُ ع يَنْصِبُ الْأَوَّلُ الثَّانِيَ وَ أَنْ يُسْأَلَ فَيُجِيبَ وَ أَنْ يُسْكَتَ عَنْهُ فَيَبْتَدِئَ وَ يُخْبِرَ النَّاسَ بِمَا يَكُونُ فِي غَدٍ وَ يُكَلِّمَ النَّاسَ بِكُلِ لِسَانٍ وَ لُغَةٍ.

معانی الاخبار، النص، ص: 105

با چه چیزی امام شناخته میشود قال بخصال ...با یکسری صفاتی: اولین اینکه خداوند به او نص کرده باشد و باید نصب بشود بعنوان علم و حجتی برای مردم تا اینکه برایشان حجت باشد چون اگر نص نشود حجتی هم نخواهد بود.

لان رسول الله ص نصب علیا...پیغمبر امیرالمومنین را نصب کرد و به مردم شناساند امیرالمومنین ع را هم به اسم حضرت هم به عین(وجود خارجی و شخصیت) حضرت ، و به مردم گفت این شخصی که میبینید امام شماست

و کذلک الأئمه، ائمه هم همچنین هستن یعنی تمام امامان ، امامان بعدی خودشان را بنحوی که پیامبر ص اثبات کرده اند اثبات میکنند یعنی بأسمه و عینه، این میشود راه شناخت حجت خدا.

ینصب الأول الثانی، اولی دومی را اثبات میکند، نصب میکند

ادامشو خودتون مطالعه بفرمایید

و یا خود امام در معرفی خویش بکوشید، حالا به طریق مختلفی که بیان شده است

آیت الله محمد کاظم قزوینی می فرماید

بین شیعه مشهور است که بر امام، کسی جز امام، نماز نمی گذارد؛ چون نماز میت در واقع، دعایی از نمازگزار بر میّت است؛ پس چه کسی جز

امام، لیاقت خواندن این نماز را دارد؟ و هنگامی که جعفر برای نماز بر امام عسکری علیه السلام جلو رفت، خداوند خواست که پرده کنار رود و گروهی از مردم - که برای نماز بر امام عسکری علیه السلام جمع شده بودند - امام حقیقی را بشناسند که اتمام حجتی برای جعفر و امت اسلامی باشند...

حضرت جمله ای را ایراد فرمود که در والاترین درجات فصاحت و بلاغت است: «تَأَخَرْ یا عَمَّ، فأَنا اَحَقُّ بالصَلاةِ علی أبی!!»؛ «ای عمو! عقب برو که من به ادای نماز بر پدرم شایسته ترم!!»

امام علیه السلام به او فرمود: «تاخر» پس برای ادای نماز، اجازه نداد و «یا عمّ» و با این کلمه، امام علیه السلام خبر داد که جعفر، عموی اوست؛ پس امام، پسر برادر جعفر است.

«فانا احق بالصلاة علی ابی» بی شک امام زمان علیه السلام با این جمله، شایستگی خود به نماز بر امام عسکری علیه السلام را ثابت می‌کند و می‌فرماید: «علی ابی»، این کلمه، هم اثبات نسب و هم اثبات امامت اوست، به سبب اینکه کسی جز امام بر امام نماز نمی گذارد برای اینکه او ولیّ و وارث میّت است. به این صورت روشن شد که جعفر، هیچ حقی

ندارد و جعفر از نزد جنازه باز می‌گردد و هیچ گونه مقاومتی در مقابل این کودک نمی تواند، انجام دهد

(از تولد تا بعد از ظهور ص ۱۴۸ و ۱۴۹)

و یا در ظرف و غالب غیبت نتنها باز دلایل و حجت ها ساقط نیست بلکه شیخ صدوق می فرماید : بهترین دلیل بر امامت امام زمان(عج) خود غیبت است با توجه به روایات مشهور

فلو قلت : إن غیبة الإمام فی هذا العصر من أدل الأدلة علی صحة الإمامة ...قلت صدقا لصدق الأخبار المتقدمة فی ذلک و شهرها

و اگر بگویم که غیبت امام در این عصر، بهترین دلیل بر صحت امامت اوست، سخن درستی گفته ام، زیرا اخباری که در این موضوع نقل کردیم ...همه درست و مشهور است

لذا خود همین روایات حجت اند و دلیل اند

علامه ی مجلسی می فرماید

اگر بخواهیم بر مخالفان حجت تمام کنیم باید احادیث کتب معتبره ی ایشان را بر ایشان حجت گردانیم لهذا علمای ما پیوسته از احادیث کتب معتبره ی ایشان حجت آورده اند بر ایشان، پس ما اگر اخبار کتب خود را بر ایشان حجت گردانیم ایشان انکار خواهند کرد، و اگر ایشان احادیث موضوعه ی کتب خود را که در زمان استیلای خلفای جور منافقان صحابه برای طمع منصب و مال از برای ایشان وضع کرده اند بر ما حجت گردانند قبول آنها بر ما لازم نیست.

پس باید که ما از احادیثی که متواتر و مقبول الطرفین است یا در کتب معتبره ی ایشان مذکور است بر حقیقت مذهب خود استدلال کنیم

حق الیقین ص 83

و روایاتی که راویان حدیث بیان می کنند

و أما الحوادث الواقعة، فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا، فانهم حجتی علیکم و أنا حجة الله علیهم ...

الغیبه ی شیخ طوسی ص 176

در رویداد هایی که اتفاق می افتد، به راویان حدیث ما مراجعه کنید، زیرا آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آنان هستم

و شیخ صدوق در ادامه ی این نقل می فرماید

و أما إذا استر الإمام للخوف على نفسه بأمر الله عزوجل و كان له سبب معروف متصل به و كانت الحجة قائمة إذا كانت عينه موجوده فی عالم و بابه و سببه معروفان و إنما عدم إفتاؤه و أمره و نهيه ظاهرا و ليس فی ذلک بطلان للحجة....

اگر امام برای خوف از جان خود به امر خدای تعالی پنهان گردد و سبب معروف و متصلی داشته باشد، حجت خدا قائم خواهد بود زیرا شخص او در عالم موجود است و نایب و وسیله معروفی هم دارد، فقط فتوا و امر و نهیش ظاهر نیست و این موجب بطلان الهی نیست..

کمال الدین ج 1 ص 179 و 180

👇 خوب این سبب معروف و متصل چه کسانی هستند؟

امام صادق -علیه السلام- فرمودند

ستخلو كوفة من المؤمنين ويأزر [يأرز] عنها العلم كما تأزر [تأرز]الحية " في جحرها ثم يظهر العلم ببلدة يقال لها قم وتصير معدنا للعلم والفضل حتى لا يبقى في الأرض مستضعف في الدين حتى المخدرات في الحجال وذلک عند قرب ظهور قائمنا فيجعل الله قم وأهله قائمين مقام الحجة ولو لا ذلک لساخت الأرض بأهلها ولم يبق في الأرض حجة فيفيض العلم منه إلى سائر البلاد في المشرق والمغرب فيتم حجة الله على الخلق حتى لا يبقى أحد على الأرض لم يبلغ إليه الدين والعلم ثم يظهر القائم عليه‌السلام ويسير سببا لنقمة الله وسخطه على العباد لأن الله لا ينتقم من العباد إلا بعد إنكارهم حجة

به زودی کوفه از مؤمنان خالی می گردد؛ و علم از آنجا پنهان می شود همچون پنهان شدن مار در سوراخش؛

سپس علم در شهری که قم نامیده می شود ظاهر می شود؛ و قم معدن علم و فضل خواهد شد تا آن جا که بر روی زمین هیچ کس مستضعف در دین باقی نمی ماند حتی زنان پرده نشین؛ و این در نزدیکی ظهور قائم ما رخ میدهد.

پس خداوند قم و اهلش را قائم مقام حجت قرار میدهد؛ و اگر این گونه نبود زمین اهلش را فرو می برد، و بر روی زمین حجتی باقی نمی ماند که علم از او به سایر سرزمین ها در شرق و غرب برسد.

پس حجت خدا بر مردم تمام و کامل می شود به طوری که احدی بر روی زمین باقی نمی ماند که دین و علم به او نرسد.

سپس قائم -علیه السلام- ظهور میکند و سبب خشم و غضب خداوند بر بندگان می شود، چرا که خداوند از بندگان انتقام نمی گیرد مگر بعد از اینکه حجت را انکار کنند

بحار الأنوار (چاپ مؤسسة الوفاء) جلد ۶۰ صفحه۲۱۳

حجة الإسلام و المسلمین سید حسین میر جهانی طباطبائی در ذیل این روایت گوید : این حدیث شریف مشعر بر چند علامت است

اول: خالی شدن کوفه از اهل ایمان

دوم : پوشیده و پنهان شدن علم آنان سوم : ظهور علم در شهر قم و معدن علم شدن آنجا

چهارم : باقی نماندن نادان و مستضعفی در آنجا حتی پرده نشینان : ایشان در حجلهای خود - و استفاده می شود که اینها نزدیک ظهور قائم (علیه السلام) خواهد بود

پنجم : قائم مقام حجت بودن قم و اهل آن که اگر چنین نباشد زمین اهل خود را فرو برد برای آنکه زمین در چنین خالی حجتی باقی نمی ماند که افاضه علم از آن به سایر شهر های مشرق و مغرب جهان شود.

ششم : آنکه از قم علم به مشرق و مغرب جهان رسد و شاید این نکته برای آن باشد که در قم آثاری ظاهر شود که مورد توجه جهانیان گردد بنوحیکه برای جلب نحو خود و دولت‌های جهانی متوجه آنجا شوند و کسانی ایکه اسم دین اسلام و علوم اسلام به گوششان نرسیده از آنجا گوشزد ایشان شود و حجت بر آنها تمام شود که نگویند ما نشنیدیم و نفهمیدیم چنانچه دور نیست که یکی از آثاری که دلالت بر این معنا دارد شاید قضیه ظاهر شدن معادن نفت است که در این عصر مورد

احتیاج و نیازمندی جهانیان است و شرقی‌ها و غربی ها چشم بدانجا دوخته اند

هفتم: آنکه پس از تمام شدن حجت بر آنها خدای متعال غضب و انتقام خود را بر انکار کنندگان حق و دین ظاهر می کند بظهور قائم آل محمد(علیهم السلام) از ایشان انتقام خواهد کشید.

و اگر کسی بگوید توسعه ی ممالک اسلامی زیاد است و نام اسلام و دین غالبا گوشزد اهل غرب و شرق شده در دنیا زیاد اند چرا جای دیگر برای اهل شرق و غرب حجت نباشد و این خصیصه به قم اختصاص داشته باشد.

جواب گفته می شود :آری چنین است لکن بنا بر فرموده پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) که متواتر در میان مسلمانان است که از اخبار غیبت آن بزرگوار به شمار رفته مسلمانان بعد از رحلت آن حضرت هفتاد و سه فرقه خواهند شد یکفرقه ی آن اهل نجات باشد ... و با مراجعه بکتب معتبره و تدبر و تعمق در اخبار ماثوره از قبیل ثقلین

(نواهب الدهور فی علائم الظهور /ص 23)

نکته ای در این روایت وجود دارد که همین اتمام حجتی که در طول غیبت صورت می پذیرد، عذابی که بواسطه ی عدم قبول آن خواهد بود با ظهور امام زمان و با صفت نقمت ایشان حاصل می شود

و البته آیت الله فقید سید محمد کاظم قزوینی یک مورد دیگر برای اتمام حجت برای عصر غیبت را طرح می کنند:

خدا به چه دلایلی بندگانش را مورد آزمایش قرار می دهد؟

در نخستین دلیل ایشان می گوید : راز آزمایش بندگان ، اتمام حجت است.

« رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» نساء / ۱۶۵

رسولانی را فرستاد که (نیکان را) بشارت دهند و (بدان را) بترسانند تا آنکه پس از فرستادن رسولان، مردم را بر خدا حجّتی نباشد، و خدا همیشه مقتدر و کارش بر وفق حکمت است.

امام مهدی (علیه السلام) از ولادت تا ظهور ص ۴۶۸

یعنی همین وقایعی که اتفاق می افتد در نظر ایشان می تواند امتحانی باشد که برای اتمام حجت صورت می پذیرد نه عذابی که بخواهد بعد اتمام حجت باشد

خوب بخاطر طولانی شدن مباحث از بزرگوران عذر خواهی می کنم، ان شاءالله باقی مطالب را در جلسه ی دیگر طرح خواهیم نمود

أنجمن علمی_فرهنگی أنصار المهدی عج

« اولین مجموعه تخصّصی مهدویت و نقد مدّعیان دروغین »💯

https://t.me/ansar_almahdi_1 ↓↓ گروه انصار المهدی عج ◈❶

↓↓ کانال انجمن علمی تحقیقاتی انصارالمهدی عج ◈❷
https://t.me/ansar_almahdi_ngo

↓↓الإثنی عشریة◈❸

https://t.me/antimortad

↓↓فهرست کانال الإثنی عشریة◈❹

https://t.me/esnaasharieh

↓↓ اینستاگرام انجمن انصار المهدی عج ◈❺

https://instagram.com/ansar_almahdi_ngo?igshid=1sisfu7z722kt

انصار المهدی عجل الله فرجه